

جاده توسعه فرهنگی

از کتاب آغاز می‌شود

سیدرضا صالحی امیری، دیروز در مراسم گرامیداشت روز «کتاب، کتابخوانی و کتابدار» گفت: «معلم‌نم بدون فرهنگ به توسعه نمی‌رسیم و جاده توسعه فرهنگی از کتاب آغاز می‌شود، بستر و جاده توسعه فرهنگی، کتاب، کتابخانه و کتابخوانی است و بدون توجه به این اصل مهم، به توسعه فرهنگی نمی‌رسیم.»



چرا دیکتاتورها

از ادبیات می‌ترسند؟

ماریو بارگاس یوسا، نویسنده پرویی برنده نوبل ادبیات، طی سخنرانی خود در دانشگاه «سانتو توماس» گفت که مطالعه و ادبیات باعث رشد نوعی دیدگاه انتقادی می‌شود و دیکتاتورها از ادبیات می‌ترسند. ادبیات میل درونی برای تغییر دادن و ایستادن مقابل سلطه را که از گهواره تا گور سعی در کنترل ما دارد، بیدار می‌کند.



خواننده «گل ارکیده»

در بیمارستان بستری شد

ایلیا منفرد، آهنگساز و خواننده قدیمی موسیقی پاپ کشورمان که با قطعه «گل ارکیده» در سال ۱۳۷۶ توانست در میان مخاطبان مطرح شود، بعد از ظهر دیروز به دلیل عارضه قلبی در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری شد. منفرد آخرین بار در سال ۱۳۸۲ ترانه اجرا کرده بود.



کنسرت کلهر با نوازنده ترکیه‌ای

باغلاما در تالار وحدت

کیهان کلهر، آهنگساز و نوازنده پرآوازه کمپانه به همراه اردال ارزنجان، نوازنده ترکیه‌ای باغلاما، از ۱۳ تا ۱۶ آذر در تالار وحدت تهران روی سن خواهد رفت. «پردگیان باغ سکوت» در اردیبهشت و خرداد گذشته در چند شهر ایران و ۹ شب در تهران برگزار شده و از معدود کنسرت‌های موسیقی بی‌کلام ایرانی بود که توانست توجه همگان را جلب کند.



کافه کتاب

دعوت به خواندن رمان‌های یکتا کوپان

طرز تهیه تنهایی در آشپزخانه عشق

مرتضی هاشمی‌نیاری
منتقد

رمان «آنا کارنینا» شاهکار تولستوی با این جمله آغاز می‌شود: «همه خانواده‌های خوشبخت شبیه هم هستند، اما خانواده‌های بخت‌برگشته هر کدام بدبختی خودشان را دارند.» رمان «چای خانه خانوادگی» اثر یکتا کوپان، نویسنده محبوب ترک داستان مشکلات خاص یک خانواده است که از زبان «مزین» دختر بزرگ خانواده روایت می‌شود. مشکلاتی که معمولاً به بیرون در نمی‌کند و در حریم خانواده پنهان می‌ماند. کوپان در این رمان با مرور خاطرات گذشته و زندگی اکنون مزین، مسائل این خانواده و تاثیر آن بر اعضای خانواده و روابط میان آنها را به تصویر می‌کشد و با نگاهی روانشناسانه ماجرای حسادت‌های دو خواهر را روایت می‌کند.

قهرمان کتاب، مزین دختر غمگین و عصیانگری است که از پدر هوسباز و خواهر کوچکش «چی‌ده» بیزار است. او پدر را عامل دردمندی مادر می‌داند و خواهر را مسبب مرگ او. مزین که مادرش نام مادر بزرگش را روی او گذاشته، می‌خواهد از بند خانواده رها شود، او نمی‌خواهد در جامعه مردسالار ترکیه به چرخه مرگومور و تکراری زندگی زنانه تن بدهد و سرنوشتی شبیه سرنوشت مادر و مادر بزرگش داشته باشد. او در هر لحظه زندگی به دنبال یافتن هویتی مستقل برای خود است.

کوپان در این رمان کوشیده با گذر از تعاریف رایج در جامعه که خانواده را نهادی بی‌عیب و نقص و خوشبخت نشان می‌دهد، ناملایمات و مشکلات پنهان در روابط خانوادگی را که کمتر از آنها صحبت می‌شود نمایان کند. مزین که با پدر، خواهر، گذشته و حال خود مشکل دارد، سعی می‌کند در نتیجه این تقلیل فردایش را بسازد. او در این مسیر سوال‌هایی می‌کند که گاه جسارت طرح کردن شان حتی از یافتن جواب

مهم‌تر است. هر زنی می‌تواند ردی از خویش را در قهرمان رمان چای خانه خانوادگی پیدا کند. یکتا کوپان نویسنده ۴۸ ساله اهل آنکارا بانوشتن داستان‌های کوتاه وارد دنیای ادبیات شد و در سال ۲۰۰۰ اولین مجموعه داستان‌ها را منتشر کرد. ۲۰۰۲ دومین مجموعه داستان او با نام «طرز تهیه تنهایی در آشپزخانه عشق» به‌عنوان کتاب برگزیده جایزه «سعیدفائیک»، معتبرترین جایزه داستان کوتاه در ترکیه، انتخاب و پس از آن کوپان به چهره‌ای شناخته شده در ادبیات ترکیه تبدیل شد. مجموعه داستان‌ها و رمان‌های او در سال‌های بعد با استقبال منتقدان و خوانندگان روبه‌رو شد و جوایز زیادی را نصیب او کرد. رمان چای خانه خانوادگی دومین رمان کوپان در سال ۲۰۱۳ منتشر و در همان سال با استقبال خوانندگان مواجه شد و نامش در بین رمان‌های برتر سال قرار گرفت.

کتاب‌های کوپان به چندین زبان زنده دنیا ترجمه شده است. مجموعه داستان «طرز تهیه تنهایی در آشپزخانه عشق» و رمان «چای خانه خانوادگی» توسط مژده الفت که خود و مجموعه داستان با نام‌های «گرامافون» و «فرشته از تهران» را در کارنامه‌اش دارد، از ترکی استانبولی به فارسی ترجمه و توسط نشر قطره منتشر شده است.



فردا چه خبر است

شهرداد روحانی، رهبر ارکستر سمفونیک تهران:

هیچ نیازی به استفاده از سولیست‌های خارجی نیست

خارجی نیست

گروه ادب و هنر شهرداد روحانی، رهبر ارکستر سمفونیک تهران خبر داده است که بنا دارد تا در برنامه‌های آتی این ارکستر قطعه‌ای از احمد پژمان اجرا کند. او توضیح داده که این ایده برای استفاده از آثار آهنگسازان ایرانی است. ارکستر سمفونیک تهران قرار است یازدهم آذر در تالار وحدت تهران به اجرای برنامه بپردازد. در این اجرا او‌اهای اسلوانی شماره ۸ از آنتونین دورژاک به همراه کنسرتور در «مینیور برای دو ویولون از یوهان سباستیان باخ»، «مارش اسلوانی» از پیتر جایکوفسکی، «آوای مرگ» از کامیل سن سانس، «پاوان» اثر گابریل فوره و همچنین قطعه «بر فراز کوه سنگی» از مودست موسورسکی اجرامی شود. کنسرتو ویولون باخ، آوای مرگ از کامیل سن سانس و همچنین قطعه پاوه از گابریل فوره از جمله قطعاتی هستند که در کنسرت پیش روی ارکستر سمفونیک برای اولین بار اجرامی می‌شوند. رهبر بین المللی موسیقی ایران گفته است: «در ادامه سیاست‌های گذشته‌ام در استفاده از آثار آهنگسازان ایرانی و همچنین نوازندگان برتر ایرانی، در این برنامه از حضور مونیکا لران و علیرضا چهره‌قانی که از اعضای ارکستر سمفونیک تهران هستند، به‌عنوان سولیست استفاده خواهیم کرد. کنسرتو ویولون باخ، یکی از دشوارترین قطعاتی است که برای این ساز نوشته شده و خوشحالم که دو تن از جوانان این ارکستر، توانایی اجرای آن را دارند. من همواره به این مساله اعتقاد دارم که به اندازه‌ای نوازنده خوب و حرفه‌ای در ایران وجود دارد که هیچ نیازی به استفاده از سولیست‌های خارجی نیست؛ باید به این جوانان اعتماد کرد و به آنان میدان داد تا در آینده بتوانیم از حضورشان بهره‌گیریم.»

اتفاق روز

گروه ادب و هنر هوشنگ ابتهاج (ه. ا. سایه) به انتشار دفتر شعر «بانگ نی» که به تازگی با قیمت ۴۵ هزار تومان در ۱۳۳۰۰ از سوی نشر کارنامه منتشر شده است، واکنش نشان داده و گفته است که در جریان انتشار این کتاب نبوده است و ناشر برای چاپ آن قرارداد جدیدی نداشته است.

«بانگ نی» در ۱۳۶ صفحه، ۹ سال پیش از سوی نشر کارنامه با قیمت ۳۹۵۰ تومان منتشر شده بود که با توقیف شدنش، امکان انتشار پیدا نکرد. حالا سایه هم به چاپ بدون اطلاع او معترض است و هم از قیمت بالای آن شاکی است. ابتهاج توضیح داده است که «بانگ نی» شعر بلندی است که سال‌ها قبل آن را نوشته و طی سال‌ها به چیزهایی اضافه کرده است و قصد دارد باز هم چیزهایی به آن اضافه کند. قیمت ۴۵ هزار تومانی برای یک کتاب ۱۳۶ صفحه‌ای موضوع اعتراض خبرنگار ایسنا به مولف کتاب «بانگ نی» بوده است. سایه توضیح داده است که دخالتی در قیمت‌گذاری کتاب جدیدش نداشته است و درباره لزوم رعایت حال مخاطبان با ذکر خاطره‌ای گفته است:

«یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است»

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۲۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است. باید همراه این کتاب که

هوشنگ ابتهاج

امروز چه خبر است

رونمایی از رمان «دخیل هفتم» نوشته محمد رودگر

عاشقانه و عارفانه



اولش با نام «دلمزاد» در نشر شهرستان ادب منتشر شد و بلافاصله به چاپ دوم رسید. روایت سیال ذهن و خلاقانه، استفاده از نمادها و تعلیق موجود در رمان جایزه کتاب سال در حوزه جنگ و دفاع مقدس را برای او به ارمغان آورد. منتقدان از این اثر

در واقع قطع لوکس به حساب می‌آید و معمولاً در مراسم عقد و عروسی هدیه داده می‌شود یک قطع معمولی و وزیری آن را هم منتشر کنید، چون خریدار در این صورت می‌تواند تصمیم بگیرد که کدام کتاب را به اختیار خودش بخرد، اما اگر فقط یک قطع لوکس از یک کتاب به بازار عرضه شود با اینکه خواننده ممکن است به خاطر اشتیاقش کتاب را بخرد اما به نوعی احساس اجبار و تحمیل هم می‌کند. یعنی وقتی شما تنها یک نسخه از کتابی را منتشر می‌کنید، ممکن است خواننده آن را با

اکراه بخرد. سایه از کاسبکاری در کار نشر گفته است: «متأسفانه کار نشر هنوز کاسبی است و یک کار فرهنگی نیست. الان خواننده حق دارد اعتراض کند چرا قیمت یک کتاب ۴۵ هزار تومان است. البته این هم هست که در روزگار ما قیمت یک فال گورو ۱۲ هزار تومان شده و اگر کسی بخواهد یک خورش

فستجان با گردو درست کند معلوم است که چقدر باید هزینه کند و متأسفانه این موضوع هم وجود دارد و به بحث اقتصادی جامعه ما مربوط می‌شود. ولی کتاب کار فرهنگی است. کتاب را دانشجو و معلم می‌خرد و باید رعایت حال آنها را کرد. کتاب را فلان آدم که در ماشین چند میلیونی می‌نشیند نمی‌خرد؛ اگر هم می‌خرد برایش مثل همان سیب زمینی و پیاز است! من اطلاع دارم که کتاب «پیر پزینان‌دیش» را دو نفر از استرالیای به‌صورت مشترک خریده‌اند و دوجلد را بین خود تقسیم کرده‌اند. یکی از این دو فرد که در شهر سیدنی زندگی می‌کند جلد دوم را خوانده و تمام کرده‌است و منتظر است که جلد اول به دستش برسد.»

باید رعایت حال آنها را کرد. کتاب را فلان آدم که در ماشین چند میلیونی می‌نشیند نمی‌خرد؛ اگر هم می‌خرد برایش مثل همان سیب زمینی و پیاز است! من اطلاع دارم که کتاب «پیر پزینان‌دیش» را دو نفر از استرالیای به‌صورت مشترک خریده‌اند و دوجلد را بین خود تقسیم کرده‌اند. یکی از این دو فرد که در شهر سیدنی زندگی می‌کند جلد دوم را خوانده و تمام کرده‌است و منتظر است که جلد اول به دستش برسد.»

هوشنگ ابتهاج

امروز چه خبر است

رونمایی از رمان «دخیل هفتم» نوشته محمد رودگر

عاشقانه و عارفانه

به‌عنوان یکی از آثار خلاقانه و ماندگار ادبیات دفاع مقدس یاد می‌کنند. حالا رودگر در «دخیل هفتم» به سمت داستان عارفانه رفته است. او برای همین جایزه رمان انقلاب را هم کسب کرد. «دخیل هفتم» با بن‌مایه‌ای عاشقانه و عارفانه در بستر حوادث پیش از انقلاب تا دوران امروز می‌گذرد. داستان از اومی خواهد که داستان عشقش را تعریف کند. راوی از دختری می‌گوید که در روزهای مبارزه انقلاب ۵۷ به او عشق می‌ورزید و هر دو به زندان کمیته مشترک ضد خرابکاری افتادند. با پیروزی انقلاب، راوی آزاد شد، ولی فاطمه به سرنوشتی نامعلوم در آن زندان گرفتار آمد.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است»

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

در نزدیکی ما کسی «درد» را «بو» کشیده است و چه بسیاری کسانی از عزیزان دور و نزدیکمان که این «بار هستی» را لمس می‌کنند و کرده‌اند. اما چرا باید از درد گفت؟ یا اصولاً چرا باید «درد» را «بو» کشید؟ بو می‌گوید هستی رنج است و یکی از راهکارهای گذشتن از رنج، دیدن واقعیت است همان‌گونه که هست نه آن‌گونه که به نظر می‌آید. «دیدن واقعیت» همان امری است که صالح تسبیحی موفق به دعوت مخاطبان خود شده است. دیدن، بدون تفاسیر و تعاریف دهان پرکن. دیدن امر واقعی همان‌گونه که هستند و زیر پوست او جریان دارند و نفس می‌کشند. روایتگری تسبیحی در کارسینوما، پرداختی از بیرون به درون نیست بلکه هنرمند روایت را زیسته‌است و بیان کرده است. همین امر موجب نگاه به‌شدت شخصی شده‌ای است که با این وجود بسیار ملموس می‌نماید. ملموس به این خاطر که همه مخاطبان دست‌کم فردی دوست به گریبان بایین ماجرا (سرطان) در اطراف خود دیده‌اند یا از نزدیک درگیر با این مقوله بوده‌اند. سرطان، بلعنده‌ای

که به زعم تسبیحی «همه‌چیز را نیم‌هم می‌خورد، تن بلند بالا را می‌بلعد و پوستی فرتوت و خالی پس می‌دهد.» آثار این نمایشگاه مشتمل بر عکاسی، چیدمان و اینستالیشن هستند. هریک از این مدیوم‌ها برای بیان هنری به اندازه کافی گویا و مستحکم هستند اما بیان ساده و شفاف تسبیحی در هر کدام از اینها یکی از نقاط قوت این نمایشگاه

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

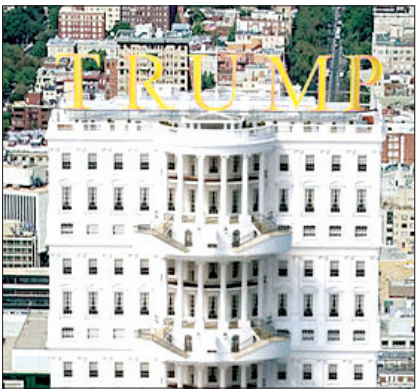
یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

حاشیه

برج ریاست جمهوری ترامپ در سال ۲۰۲۰



هنرآنلاین پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات اخیر ریاست جمهوری ایالات متحده در کنار واکنش‌های اجتماعی نظر طراحان را هم به خود جلب کرده و منجر به ارائه طرح‌های خلاقانه‌ای شده است. ویکتور کاتالان انریش تصاویری هوایی از واشنگتن دی سی و کاخ سفید را در سال ۲۰۲۰ میلادی تصور کرده و در این چشم‌انداز تلفیقی از کاخ سفید و برج ترامپ را ارائه می‌دهد. از نظر او کاخ سفید به سبک ترامپ می‌تواند چنین آینده‌ای داشته باشد. در یکی از تصویرهای ارائه شده او، نمای اصلی کاخ سفید ۱۳ بار روی هم قرار گرفته تا برج آینده دونالد ترامپ شکل بگیرد. همچنین نام ترامپ با حروف بزرگ چون تاج پادشاهی بر فراز این برج به تصویر کشیده شده است.

است. به بیان هنرمند عکس‌ها بدون تصمیم قبلی و بدون آنکه دورنمای ارائه در عکاسی دخیل باشد؛ و تنها برای ثبت فراموشی برداشته شدند اما در تداوم روایت جایگاه ویژه‌ای دارند. گاه نگاه خاموش و سردی دارند و گاه بسیار پرآمید می‌نمایند. مثل قابی از موهای تازه رسته بر سر تراشیده‌ای که گندم‌زار تازه روییده‌ای را می‌ماند و شاید هر بیننده‌ای برای ثبت در خاطرش بتواند آن را «دشت امید» بنامد. جعبه‌ها بخش دیگری از پروژه کارسینوما تسبیحی هستند برای دعوت به مکاشفه اندر احوالات ذهنی و روحی خود و روایت شمایل کسی که درد می‌کشد. بیان وی در بیانیه نمایشگاه؛ «نمی‌توانسته‌ام از زاویه خود آدم سرطان زده درد را بو بکشم، و در نهایت روایت کنم. در نتیجه روایت من در این مجموعه روایت یک ناظر کلافه است که به ترجمان احساسات و افکار مبهم پرداخته. و آونگ‌وار درد را از دور می‌بیند و به آن نزدیک می‌کند و گاه تیغه‌ای برنده دور می‌شود و نمی‌تواند به جهانش وارد شود و معلق میان دو تن در رفت و آمد بوده‌است.» بخش دیگر پروژه کارسینوما مشتمل بر اشیایی است که درهم آمیخته و پرداخته شده‌اند. گاه ساعتی بی‌عقره ایستایی

زمان در تلخی درد را روایت می‌کند و گاه تیغه‌ای برنده عمود بر امید زیستن می‌شود. بیان تسبیحی عاری از تحکم در روایت است چه در تلخ‌ترین لحظات و چه در پرنورترین ساعات امید. او تنها و تنها در قامت روایتگری است در بطن حادثه اما صادق در گفتار همراه با دعوتی به «دیدن واقعیت» همان‌گونه که هست نه آن‌گونه که به نظر می‌آید.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.

یادم هست که در جوانی و در سال ۱۳۲۰ کتابی چاپ کردم و به خاطر پایین آوردن قیمت آن، به ناشر اصرار کردم که ۳۰۰۰ نسخه از آن را در کاغذ کاهی چاپ کند. قیمت کتاب هم ۲۰ ریال بود. یا همین کتاب حافظی که ۲۰ سال پیش چاپ کردم، اول در قطع رحلی و با قیمت ۷۵۰ تومان منتشر شد که برای مردم گران بود. من به ناشر گفتم نباید این کار را می‌کردید چون این قیمت برای خواننده گران است.